



# مثنوی مولوی

گنجینه ارزشمند ادبیات فارسی



اثر برگزیده یونسکو برای کودکان  
و نوجوانان بمنظور بزرگداشت مولوی



## عنوان داستان‌ها

- |     |       |                    |    |       |                     |
|-----|-------|--------------------|----|-------|---------------------|
| ۸۱  | ..... | • شیر بهتر می‌داند | ۹  | ..... | • پادشاه و دلچک     |
| ۹۳  | ..... | • شکار ازدها       | ۲۱ | ..... | • تدبیر کودکانه     |
| ۱۰۵ | ..... | • شاهزاده و جادوگر | ۳۳ | ..... | • جوانمردی          |
| ۱۲۱ | ..... | • طوطی طاس و بقال  | ۴۵ | ..... | • زرگر دانا         |
| ۱۳۳ | ..... | • طاووس عاقل       | ۵۷ | ..... | • شتر زیرک          |
| ۱۴۵ | ..... | • طلسم             | ۶۹ | ..... | • شغالی که طاووس شد |

بهاء الدین به همراه خانواده خود از خراسان عزم بغداد کرد و از آنجا پس از سه روز اقامت عازم مکه شد و پس از انجام مراسم حج به شام رفت و مدتها در آنجا ماند و از طریق شام به قونیه (ترکیه کنونی) که در آن زمان پایتخت حکومت سلجوقیان بود وارد شد. مولانا در این سالها همراه پدر و در محضر او به فراگیری علم و دانش مشغول بود.

مولانا در سن هیجده سالگی ازدواج نمود و در سن ۲۴ سالگی زمانی که پدر خود را از دست داد بر مسند تدریس به جای پدر نشست و مانند او به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

در طی این سالها آوازه او در همه جا پیچید و کرسی درس و بحث فقه و علوم دینی مولانا هر روز زلال جان تشنگان علم و دانش را سیراب می کرد بطوریکه بزودی تعداد شاگردان او به چهارصد نفر رسید.

بزرگترین حادثه زندگی مولانا در سال ۶۴۲ اتفاق افتاد. در این سال او با شخصیت عالم و وارسته ای به نام شمس تبریزی آشنا شد و طی سالی که شمس در قونیه اقامت داشت، مولانا با پشت کردن به تمام امور دنیوی با او هم صحبت شد. تأثیرات روحی و روانی شمس در مولانا به قدری عمیق و ماندگار بود که تحول عظیمی در زندگی مولانا بوجود آورد،

